

نقش نهاد خانواده در حفظ زبانها مطالعه موردی زبان ترکی^۱ در تبریز^۲

● سید هادی میر واحدی^۳

ÖZET: Seyyed Hadi MİRVAHEDİ, "Dillerin Qorunmasında Aile Qurumunun Rolü, Tebriz'de Türk Dili Örneğinde", *Varlıq: Üç Aylıq Türk Dili, Edebiyatı ve Kültürü Dergisi*, İkinci Dönem, Sayı: 6 (Güz 2016), ss. 5-18

Günümüzde dilsel ve kültürel çeşidliliyin azalması, toplumsal ve dilbilimsel alanların en önemli ve en düşündürücü qonularından biri haline gelmiştir. Texminlere göre, dünyadaki 6000-7000 dilin yarısı bulunduğumuz yüz ilin sonuna qeder yox olacaq veya tehlike altına girecekdir. Bu azalma, esasen birinci dili (ana dilini) itirmek bahasına bir veya bir neçe dili öyrenen dil topluluqlarında dilin tedricen deyişime uğraması sonucunda ortaya çıxmaqdadır. Bu çalışmada alan araştırması yöntemi ve on yaşın altında uşaqı olan analarla grup söyleşisi yapılmış suretiyle, Tebriz'de Türkçenin qorunması ve bir sonraki nesillere intiqalı meselesinde ailenin rolü ve onun dil mühitinden etkilenişi incelenmektedir.

Araşdırmalar gösterir ki, ata-anaların ve uşaqların dilin qorunmasında önemli rol oynamasına rağmen; ailelerin baxışı, qararları ve dilsel davranışı év dışı çevresel étkenlerin etkisi altındadır. Dolayısıyla bir dilin daha yaxşı qorunması için dilin évde sürekli işledilmesiyle birlikde, dile baxış ve olumlu davranışların güclenmesi, yayqınlaşması ve pekişmesi için uyğun bir dilsel mühite éhtiyac vardır.

Açar Sözcükler: Dil deyişimi, Dilin Qorunması, Türk Dili, Tebriz.

چکیده: سید هادی میر واحدی، "نقش نهاد خانواده در حفظ زبانها، مطالعه موردی زبان ترکی در تبریز"،

وارلیق: فصلنامه زبان، ادبیات و فرهنگ ترکی، دوره دوم، شماره ۶ (پاییز ۱۳۹۵)، صص. ۵-۱۸

^۱ مولف مقاله در تمامی متن از اصطلاح "زبان آذربایجانی" استفاده نموده که در متن حاضر از طرف مجله وارلیق اصلاح و به "زبان ترکی" تغییر یافته است.

^۲ برگرفته از پایان نامه دکترای ارائه شده به گروه زبان شناسی و مطالعات زبانی دانشگاه ویکتوریای ولینگتون، نیوزلند.

^۳ دانشگاه شهید مدنی آذربایجان s.h.mirvahedi@gmail.com

امروزه کاهش تنوع زبانی و فرهنگی به یکی از مسائل مهم و قابل تأمل در حوزه‌های جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی تبدیل شده است. برآوردها نشان می‌دهد نیمی از ۷۰۰۰-۶۰۰۰ زبان موجود در دنیا تا آخر این قرن یا به کلی از بین خواهند رفت و یا در معرض خطر قرار خواهند گرفت. این کاهش اغلب به واسطه تغییر تدریجی زبانی رخ می‌دهد که در آن جوامع زبانی یک یا چند زبان دیگر را به قیمت از دست دادن زبان اول (مادری) خود می‌آموزند. بر همین اساس، با استفاده از روش تحقیق پیمایشی و یک مصاحبه گروهی با مادران دارای فرزند زیر ده سال، این تحقیق به بررسی نقش خانواده و تأثیرپذیری آن از محیط زبانی در حفظ زبان ترکی و انتقال آن به نسل‌های بعدی در تبریز می‌پردازد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد به‌رغم اینکه پدران و مادران و فرزندان نشان نقش بسزایی در حفظ زبان‌ها ایفا می‌کنند، نگرش و تصمیمات و رفتار زبانی خانواده‌ها تحت تأثیر عوامل محیطی خارج از خانه قرار دارند. بنابراین، برای حفظ هرچه بهتر یک زبان، باید علاوه بر استفاده روزمره از آن در خانه، محیط زبانی مطلوبی برای تحکیم، تقویت و ترویج نگرش‌ها و رفتارهای مثبت نسبت به آن زبان وجود داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: تغییر زبان، حفظ زبان، زبان ترکی، تبریز.

۱- مقدمه

کاهش تنوع زبانی و فرهنگی پدیده‌ای فراگیر و مبتلابه در سراسر جهان امروزی است. گفته می‌شود می‌توان تقریباً از ۶۰۰۰-۷۰۰۰ زبان موجود، ۳۰۰۰ زبان را در گروه زبان‌های در معرض خطر طبقه‌بندی کرد (وُرم، ۲۰۰۱)، کراس، ۱۹۹۲) و دهه قبل با ابراز نگرانی از کاهش تنوع زبانی در جهان پیش‌بینی کرد اکثر زبان‌های دنیا در طولانی‌مدت از بین خواهند رفت. اگرچه پیش‌بینی کراس مبنی بر زنده و سالم ماندن فقط ۱۰ درصد از زبان‌ها اخیراً مورد انتقاد قرار گرفته است (سایمونز و لوویس، ۲۰۱۱) تحقیقات نشان می‌دهد تنوع زبانی و فرهنگی در عرض ۳۵ سال- بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۰۵ میلادی- به میزان ۲۰ درصد کاهش یافته است (هارمون و لوح، ۲۰۱۰). برای مثال، نتل و رومین (۲۰۰۰) نشان می‌دهند از ۳۰۰ زبان زنده در آمریکا در زمان کشف قاره آمریکا توسط کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ میلادی، حدود ۱۵۰ زبان باقی مانده است. استرالیا نیز سالیانه شاهد مرگ یک یا دو زبان بومی خود است، به طوری که گفته می‌شود اگر اقدام مفید و مؤثری برای حفظ زبان‌های بومی استرالیا صورت نگیرد، همه آنها از بین خواهند رفت (مک کی، ۲۰۰۷) مطالعات و تحقیقات در چین (بردلی، ۲۰۰۵)، پاکستان (رحمان، ۲۰۰۳) و آفریقا (باتیبو، ۲۰۰۵) نیز حاکی از از بین رفتن زبان‌های قوم‌ها، قبایل و مناطق کوچک در آن کشورهاست. ایران نیز، به عنوان کشوری چندزبانه و چندفرهنگی، از این امر مستثنی نبوده و در طول تاریخ خود شاهد از دست دادن گونه‌های مختلف زبانی، همچون اوستایی، فارسی میانه، پهلوی، پارتی و سغدی بوده است (موزلی، ۲۰۰۷؛ خانلری، ۱۳۴۸) یافته‌های مطالعات اخیر بر روی زبان‌های رایج در ایران نیز نشان می‌

⁴ Language maintenance

دهد اگرچه پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ و بر روی کار آمدن جمهوری اسلامی اقلیت‌های قومی و زبانی، نسبت به گذشته، از امکانات و شرایط بهتری، مانند شبکه‌های استانی، برخوردار شده‌اند، لیکن این اقلیت‌ها در حوزه‌های مختلف، به ویژه خواندن و نوشتن به زبان مادری، دچار مشکلات فراوانی هستند (حسنپور، شیخ‌الاسلامی، و اسکوت‌تاب کانگاس، ۱، ۲۰۱۲؛ هولمز، ۲، ۲۰۱۳؛ نوری، ۱۳۹۳). بر همین اساس، تحقیق حاضر قصد دارد دریابد نهاد خانواده چه نقشی در حفظ زبان ترکی و انتقال آن به نسل‌های بعدی در تبریز دارد و چگونه ممکن است این نقش تحت تأثیر محیط خارج از خانه قرار گیرد و نتیجه عکس بر حفظ زبان بگذارد.

۲- نقش خانواده در حفظ زبان

تحقیقات بر روی زبان‌های در معرض خطر دلایل بسیاری برای از بین رفتن زبان‌ها همچون بلاپای طبیعی، قحطی و خشکسالی، جنگ و کشتار جمعی، مهاجرت، و ... ذکر کرده‌اند؛ اما امروزه شایع‌ترین دلیل برای مرگ زبان‌ها، تغییر تدریجی زبان‌هاست (دورین، ۱۹۸۰؛ گرونبل، ۲۰۱۱؛ سالابانک، ۲۰۱۲). بدین معنی که جامعه‌ای به‌طور تدریجی زبان دیگری را در طول چندین نسل جایگزین زبان اول (زبان مادری) خود می‌کند که منجر به کاهش تعداد سخنگویان به آن زبان، کاهش غنای زبانی و توانایی زبانی افراد، و کاهش کاربرد آن زبان در نهادها و حوزه‌های مختلف می‌شود. گفته می‌شود چنین فرایندی، در نهایت، منجر به مرگ زبان‌ها می‌شود (بیکر، ۲۰۰۱: ۵۹).

نقش کلیدی اعضای خانواده، یعنی پدر، مادر و فرزندان (و در خانواده‌های بزرگ‌تر، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها)، در فرایند حفظ یا تغییر زبان‌ها^۵ بر کسی پوشیده نیست (فیشمن، ۱۹۹۱ و ۲۰۰۱؛ فاف، ۱۹۹۰؛ کوپین، ۲۰۰۳؛ اسپالسکی، ۲۰۱۱). سیاست‌گذاری‌های زبانی خانواده^۶، یعنی «برنامه‌ریزی واضح و آشکار در رابطه با کاربرد زبان میان اعضای خانواده در خانه» (کینگ، فوگل و لوگان-تری، ۲۰۰۸: ۹۰۷)، حوزه مطالعاتی جدید و مهمی در تحقیقات بر روی مسأله حفظ زبان‌ها به‌شمار می‌رود. از آنجا که پایه و اساس حفظ زبان، یعنی انتقال زبان، ارزش‌ها و فرهنگ به نسل بعدی، در نهاد خانواده بنا گذاشته می‌شود، خانه و خانواده مهم‌ترین حوزه در حفظ زبان‌ها به‌شمار می‌رود. مطالعه و تحقیق بر روی ایدئولوژی، نگرش‌ها و رفتارهای زبانی اعضای خانواده در درون خانواده می‌تواند نه تنها علائم اولیه تغییر زبانی را نشان دهد، بلکه می‌تواند ماهیت چنین تغییری را نیز روشن سازد (لتشولو، ۲۰۰۹؛ فاف، ۱۹۹۰؛ اسپالسکی،

⁵ Language shift

⁶ Language shift

⁷ Family language policy

(۲۰۱۱). به عبارتی دیگر، می‌توان با توجه به سن جوان‌ترین سخنگویان به یک زبان و نیز نبود بچه‌هایی که به آن زبان سخن می‌گویند، وضعیت کنونی یک زبان را به لحاظ در معرض خطر بودن سنجید. وجود شواهدی مبنی بر توقف انتقال زبان بین نسل‌ها می‌تواند پیش‌بینی‌کننده این حقیقت باشد که آن گونه زبانی به زودی از بین خواهد رفت (اسپالسکی، ۲۰۱۱). بر همین اساس، محققان بر این باورند که تصمیم‌گیری‌های مطلوب و مثبت در خانواده‌ها نسبت به یک یا چند زبان می‌تواند تعیین‌کننده و احتمالاً تضمین‌کننده زنده ماندن آن‌ها در یک جامعه باشد. نگرش مثبت نسبت به یک زبان، عاملی مؤثر در حفظ آن گونه خواهد بود. در مقابل، نگرش منفی می‌تواند علت اولیه توقف انتقال زبان به نسل بعدی باشد (بیکر، ۲۰۰۶). به عبارتی دیگر، انتقال زبان به نسل‌های بعدی در درون خانواده به عنوان معیار طلایی و عامل اصلی زنده بودن زبان‌ها تلقی می‌شود (سالابانک، ۲۰۱۲:۱۰۶).

بررسی و مطالعه نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها و رفتارهای زبانی خانواده‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا که خانه محلی است که در آن نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها و رفتارهای زبانی در آن هم شکل می‌گیرند و هم به اجرا درمی‌آیند؛ و در همین نهاد خانواده است که ایدئولوژی‌های غالب در جامعه با نظرات شخصی و محلی افراد درباره زبان‌ها و نحوه رفتار پدر و مادر با فرزندان برخورد و رقابت می‌کنند (کینگ و همکاران، ۲۰۰۸: ۹۰۷). کلوت (۱۹۹۸) خانه را همچون میدان نبردی می‌بیند که در آن ایدئولوژی‌ها برای جلب توجه اعضاء باهم به رقابت می‌پردازند. کلوت همچنین نشان می‌دهد خانواده، چندزبانگی و برخورد زبانی موجود در محیط خارج از خانه را هم ثبت و هم منعکس می‌کند. بر همین اساس، رفتار و نگرش اعضای خانواده به «فشارسنج اجتماعی کوچکی» تشبیه شده است که به فشارهای خارج از خانه حساس است (هریسون، ۱، ۲۰۰۷: ۸). محققان بر این باورند که مطالعه تغییرات این فشارسنج می‌تواند میزان تأثیرپذیری سیاست‌گذاری‌های زبانی خانواده‌ها را از فشارهای خارجی، و نیز تأیید یا رد آن فشارها از سوی خانواده‌ها را در درون خانه روشن سازد.

همانطور که در بالا ذکر شد، هدف پژوهش حاضر بررسی نگرش و ایدئولوژی‌های زبانی خانواده‌های ترکی زبان در شهر تبریز است. به همین منظور، در ابتدا توضیحاتی درباره روش تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها داده می‌شود. سپس در بخش‌های بعدی تجزیه و تحلیل داده‌ها و بحث و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از روش تحقیق تلفیقی، شامل روش تحقیق کمی و کیفی، استفاده می‌کند. روش تحقیق تلفیقی به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا علاوه بر پیدا کردن متغیرها، روابط بین آن‌ها

را نیز بررسی کند و یافته‌ها را به جامعه آماری تعمیم دهد (پلورایت، ۲۰۱۱؛ کاسترو، کلیسون، بوید و کوپاک، ۲۰۱۰) به عبارتی دیگر، با ادغام داده‌های «نرم» و «سخت»، محقق از آزادی عمل بیشتری در تحلیل و تفسیر داده‌ها برخوردار می‌شود (نونان ۹، ۱۹۹۲:۳). بر همین اساس، در این روش از دو ابزار مصاحبه گروهی برای جمع‌آوری داده‌های کیفی و یک پرسش‌نامه نگرش زبانی برای جمع‌آوری داده‌های کمی استفاده شده است. جمع‌آوری داده‌ها در دو مرحله انجام شد. ابتدا با انجام و تحلیل داده‌های کیفی به دست آمده از مصاحبه‌های گروهی، عوامل حائز اهمیت در شکل‌گیری نگرش زبانی در خانواده‌های دارای فرزند کمتر از ۱۰ سال در تبریز مشخص شد. سپس در مرحله دوم، چندین گویه برای هر یک از این عوامل به شکل پرسشنامه نگرش زبانی طراحی و در بین ۱۵۰ خانواده در تبریز توزیع شد (برای مشاهده پرسشنامه مراجعه کنید به رساله دکتری میرواحدی ۲۰۱۴). ۱۰۷ خانواده پرسش‌نامه را پس از تکمیل آن برگرداندند. این داده‌ها به وسیله SPSS تحلیل شد.

۳-۱- مصاحبه گروهی

مصاحبه گروهی در این مطالعه با شش مادر دارای فرزند زیر ۱۰ سال انجام شد. از آنجا که سؤال اصلی تحقیق، نقش خانواده در حفظ زبان و تأثیرپذیری آن از محیط بیرونی است، سؤالات کلی در همین زمینه برای مصاحبه‌شوندگان مطرح شد. تحلیل داده‌ها یافته‌های جالبی را نشان داد. به لحاظ کاربرد زبان ترکی در خانه، این مادران به صراحت اعلام کردند که اگرچه بیشتر آن‌ها می‌خواهند در خانه با فرزندان خود به زبان ترکی سخن بگویند، رفتار زبانی آن‌ها در خانه تحت تأثیر شبکه‌های تلویزیونی (به ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و شبکه‌هایی که از کشور ترکیه پخش می‌شوند)، و سیستم آموزشی تک‌زبان کشور (که دروس فقط به زبان فارسی ارائه می‌شود)، است. این مسائل به صورت گویه‌های پرسش‌نامه طراحی و سپس بین ۱۵۰ خانواده در تبریز توزیع شد که در زیر به آن می‌پردازیم.

۳-۲- پرسش‌نامه

داده‌های پرسش‌نامه از طریق سؤالات طیف لیکرتی ۷ تایی (۷ گزینه‌ای) جمع‌آوری، و سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. سؤالاتی درباره نگرش پدران و مادران ترکی زبان نسبت به استفاده از زبان ترکی و فارسی در خانه، سیاست‌گذاری‌های آموزشی مدارس و رسانه‌ها طراحی شد. هفت سؤال (گویه) پرسش‌نامه بر روی نگرش پدران و مادران ترکی زبان نسبت به استفاده از زبان ترکی و فارسی در خانه تمرکز داشت. اجرای تحلیل پارامتر بر روی این سؤالات نشان داد دو پارامتر مشخص وجود دارد. طیفی متشکل از سؤالات ۱۰، ۴۰، و ۴۱ با ضریب آلفای

کرونباخ ۰/۶۶ نگرش پدران و مادران را نسبت به استفاده از زبان ترکی در خانه نشان می‌دهد. طیف دیگری متشکل از سؤالات ۱، ۱۷، ۲۲ و ۲۳، با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳، نگرش پدران و مادران را نسبت به استفاده از زبان فارسی در خانه نشان می‌دهد. جدول ۱ میانگین سؤالات مربوط به نگرش پدران و مادران نسبت به استفاده از زبان فارسی در خانه را نشان می‌دهد. با عنایت به اینکه ۳/۵ بر روی طیف لیکرت موافقت/عدم موافقت (۱ نشان‌دهنده موافقت کامل و ۷ نشان‌دهنده عدم موافقت کامل) نقطه میانی است، میانگین ۳/۹۶ حاکی از آن است که شرکت‌کنندگان در این پژوهش به‌طور نسبی با استفاده از زبان فارسی در خانه مخالفند. این تحلیل همچنین این موضوع را می‌رساند که پدران و مادران ترکی زبان مخالفت شدیدی در برابر استفاده فارسی در خانه از خود نشان نمی‌دهند. به نظر می‌رسد فارسی، به عنوان زبان رسمی کشور، جای پای در میان خانواده‌های ترکی زبان در تبریز برای خود پیدا کرده است.

جدول ۱- میانگین سؤالات نگرش والدین نسبت به کاربرد زبان فارسی در خانه

تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
۱۰۱	۱	۷	۳/۹۶	۱/۴۵

جدول ۲ نگرش پدران و مادران ترکی زبان را نسبت به استفاده از زبان ترکی در خانه نشان می‌دهد. میانگین ۳/۱ نشان می‌دهد شرکت‌کنندگان در این تحقیق نگرش نسبتاً ملایمی را نسبت به استفاده از زبان ترکی در خانه ابراز کرده‌اند. با توجه به نقش زبان ترکی در تبریز، به عنوان زبان مادری و محلی رایج، نبود ابراز علاقه شدید به کاربرد زبان ترکی در خانه پدیده‌ای جالب و درخور تأمل است. نتایج آزمون t دونمونه‌ای بین نگرش نسبت به زبان ترکی (با میانگین ۳/۱۱ و انحراف معیار ۱/۴۰) و فارسی (با میانگین ۳/۹۶ و انحراف معیار ۱/۴۵) نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین این دو وجود دارد ($t(100) = 3/20, p = /02$)، یعنی اینکه نگرش شرکت‌کنندگان در این پژوهش نسبت به استفاده از زبان ترکی در خانه در مقایسه با زبان فارسی قوی‌تر است. با این وجود، می‌توان ادعا کرد نگرش نسبتاً ضعیف به استفاده از زبان مادری و نگرش مثبت به کاربرد زبان فارسی در خانه احتمال دارد در طولانی مدت منجر به تغییر تدریجی زبان ترکی شود.

جدول ۲- میانگین سؤالات نگرش والدین نسبت به کاربرد زبان ترکی در خانه

تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
۱۰۷	۱	۷	۳/۱۱	۱/۴۰

۳-۳- نگرش پدران و مادران به سیاست‌گذاری‌های زبانی مدارس

هشت سؤال از ۴۱ سؤال پرسش‌نامه زبانی درباره نگرش شرکت‌کنندگان در تحقیق نسبت به آموزش زبان ترکی در مدارس در تبریز بود. ضریب آلفای کرونباخ برای این سؤالات ۰/۹۹ است که نشان‌دهنده پایایی بالای این سؤالات است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد پدران و مادران ترکی زبان نگرشی خنثی (با میانگین ۳/۴۷) نسبت به داشتن زبان ترکی در مدارس دارند، که حاکی از آن است که پاسخ‌دهندگان به این گویه‌ها قادر به تصمیم‌گیری درباره آموزش زبان مادریشان در مدارس نیستند.

جدول ۳- نگرش والدین به آموزش زبان ترکی در مدارس

انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	تعداد	
۰/۵۶۵	۳/۴۷	۷	۱	۱۱۰	ترکی در مدارس

تحلیل جداگانه این گویه‌ها را مسأله را بیشتر و دقیق‌تر روشن می‌سازد. تحلیل سؤال‌های مربوط به حضور زبان ترکی، به عنوان موضوع و کتاب درسی، و حضور آن به عنوان زبان تدریس نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان از حضور زبان ترکی به عنوان کتاب درسی بیشتر از استفاده از آن به عنوان زبان تدریس حمایت می‌کنند. پاسخ به سؤالات ۲ و ۲۳ این موضوع را روشن می‌سازد:

جدول ۴- پاسخ به گویه ۲ (ای کاش مدرسی وجود داشت که زبان ترکی را در آن تدریس می‌کردند).

پاسخ‌ها	کاملاً موافق	کاملاً مخالف	نسبتاً موافق	نسبتاً مخالف	خنثی	مخالف	کاملاً مخالف
تعداد پاسخ‌دهندگان	۳۹	۲۶	۱۹	۱۰	۴	۵	۴
درصد	۳۶/۴	۲۴/۳	۱۷/۸	۹/۳	۳/۷	۴/۷	۳/۷

جدول ۵- پاسخ به گویه ۲۳ (فرزندم را به مدرسه‌ای می‌فرستادم که در آن زبان ترکی تدریس می‌شود).

پاسخ‌ها	کاملاً موافق	کاملاً مخالف	نسبتاً موافق	نسبتاً مخالف	خنثی	مخالف	کاملاً مخالف
تعداد پاسخ‌دهندگان	۲۵	۱۱	۱۴	۳۰	۹	۱۱	۶
درصد	۲۳/۶	۱۰/۴	۱۳/۲	۲۸/۳	۸/۵	۱۰/۷	۵/۷

همان‌طور که نتایج فوق نشان می‌دهند، ستون‌های یک، دو، و سه که به ترتیب معادل کاملاً موافق، موافق، و نسبتاً موافق هستند، نمرات بالاتری نسبت به ستون‌های پنجم، ششم و هفتم کسب کرده‌اند که نشان می‌دهد اکثر پاسخ‌دهندگان با حضور زبان ترکی در مدارس موافقت می‌کنند.

این حال، مقایسه نتایج فوق با یکدیگر نشان می‌دهد که همه موافقان با حضور زبان ترکی در مدارس (۷۸ درصد) بچه‌های خود را به چنین مدرسی نخواهند فرستاد. جدول فوق کاملاً نشان می‌دهد فقط ۴۶ درصد با فرستادن فرزندان خود به مدرسی که در آن زبان ترکی تدریس می‌شود موافقت می‌کنند. همچنین، ۲۸ درصد نقطه میانی را علامت زده‌اند که حاکی از دودلی و ناتوانی در تصمیم‌گیری درباره این موضوع است. تحلیل سؤال ۱۸ که مسأله کاربرد زبان ترکی، به عنوان زبان تدریس در مدارس را بررسی می‌کند، نشان می‌دهد حدود نیمی از پدران و مادران مایلند زبان ترکی به عنوان زبان تدریس در مدارس به کار گرفته شود.

جدول ۶- پاسخ به گویه ۱۸ (ای کاش مدرسی وجود داشت که در آن تمامی دروس به زبان ترکی تدریس می‌شد).

پاسخ‌ها	کاملاً موافق	موافق	نسبتاً موافق	خنثی	نسبتاً مخالف	مخالف	کاملاً مخالف
تعداد پاسخ‌دهندگان	۲۴	۱۴	۱۶	۱۷	۱۳	۱۶	۶
درصد	۲۲/۶	۱۳/۲	۱۵/۱	۱۶/۰	۱۲/۳	۱۵/۱	۵/۷

جدول فوق نشان می‌دهد ۵۰ درصد شرکت‌کنندگان در تحقیق آرزو دارند مدرسی وجود داشته باشد که در آن تمامی دروس به زبان ترکی تدریس می‌شد. اما بررسی سؤال ۳۳ نشان می‌دهد احتمال تحقق این آرزوی پدران و مادران بسیار پایین است، زیرا که جواب آنها نشان می‌دهد در عمل تمایلی به فرستادن فرزندان خود به چنین مدرسی ندارند. همان‌طور که جدول زیر نشان می‌دهد، حدود ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان با فرستادن فرزندان خود به چنین مدرسی مخالفت کرده‌اند.

جدول ۷- پاسخ به گویه ۳۳ (فرزندم را به مدرسه‌ای که در آن تمامی دروس به زبان ترکی تدریس می‌شود، خواهم فرستاد).

پاسخ‌ها	کاملاً موافق	موافق	نسبتاً موافق	خنثی	نسبتاً مخالف	مخالف	کاملاً مخالف
تعداد پاسخ‌دهندگان	۱۷	۵	۵	۱۲	۱۵	۱۹	۱۵
درصد	۱۶/۰	۴/۷	۴/۷	۱۱/۳	۱۴/۲	۳۶/۸	۱۲/۳

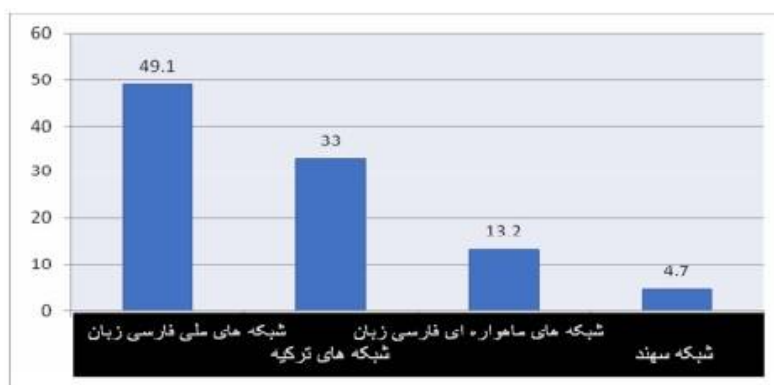
تحلیل سؤالات درباره آموزش زبان ترکی به عنوان موضوع درسی و زبان تدریس این موضوع را آشکار می‌کند که شرکت‌کنندگان در این پژوهش از آموزش آن به عنوان موضوع درسی بیشتر حمایت می‌کنند. همان‌طور که در مصاحبه گروهی نیز مطرح شد، یک دلیل برای چنین نگرشی

می‌تواند نگرانی پدران و مادران از موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان‌شان باشد. به نظر می‌رسد شرکت‌کنندگان در این مطالعه بر این باورند که آموزش همهٔ دروس به زبان ترکی توانایی زبانی فرزندان آن‌ها را در زبان فارسی پایین می‌آورد و مانع پیشرفت تحصیلی و اقتصادی آن‌ها خواهد شد. به‌طور خلاصه، تحلیل نگرش پدران و مادران نسبت به تصمیمات آموزشی نشان می‌دهد اکثر آن‌ها از سیاست فعلی، یعنی آموزش دروس به زبان فارسی، حمایت می‌کنند. اگرچه بیشتر پاسخ‌دهندگان به سؤالات تمایل دارند توانایی خواندن و نوشتن به زبان ترکی را در مدارس کسب کنند، به نظر می‌رسد علاقه‌ای به آموزش همهٔ دروس به زبان ترکی در نظام آموزشی ندارند.

۳-۴- نگرش پدران و مادران نسبت به شبکه‌های تلویزیونی

برای بررسی نگرش پدران و مادران نسبت به شبکه‌های تلویزیونی شش سؤال در چارچوب مقیاس لیکرت طراحی شد. تحلیل پارامتر، دو پارامتر اصلی، یعنی نگرش نسبت به شبکهٔ استانی آذربایجان (شبکهٔ سهند) و نگرش نسبت به شبکه‌های فارسی‌زبان را نشان داد. برای افزایش ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۴۲۸ به ۰/۶۷۲ سؤال ۲۸ به دلیل همبستگی منفی با سایر سؤالات از تحلیل کنار گذاشته شد. میانگین برای نگرش نسبت به شبکهٔ سهند و شبکه‌های فارسی‌زبان به ترتیب ۳/۹۷ و ۳/۶۴ محاسبه شد. این نتایج بدین معنی است که پدران و مادران ترکی زبان نگرش نسبتاً منفی نسبت به شبکهٔ سهند در مقایسه با شبکه‌های فارسی زبان دارند. انجام آزمون t دونمونه‌ای نشان داد که تفاوت بین نگرش شرکت‌کنندگان نسبت به شبکهٔ سهند (با میانگین ۳/۹۷ و انحراف معیار ۱/۵۷) و شبکه‌های فارسی زبان (با میانگین ۳/۶۴ و انحراف معیار ۰/۷۹) تفاوت معناداری است، که حاکی از ترجیح کانال‌های فارسی‌زبان به شبکهٔ سهند از سوی پاسخ‌دهندگان است.

نمودار (۱) نیز نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان در این مطالعه شبکهٔ سهند را به اندازهٔ سایر شبکه‌ها تماشا نمی‌کنند. ۴۹/۱ درصد خانواده‌ها اعلام کرده‌اند که اغلب شبکه‌های فارسی‌زبان ایرانی را می‌بینند. شبکه‌های ماهواره‌ای ترکی با ۳۳ درصد در ردهٔ دوم و شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای سایر کشورها با ۱۳/۲ درصد در ردهٔ سوم قرار گرفته‌اند. شبکهٔ سهند با جذب فقط ۴/۷ درصد از مخاطبان در ردهٔ چهارم قرار گرفت. این نتایج نشان می‌دهد اگرچه شبکهٔ استانی سهند، به عنوان ابزاری از سوی دولت برای حمایت از زبان ترکی، تأسیس شده است، در عمل عرصهٔ نبرد را به سایر شبکه‌های ملی و ماهواره‌ای واگذار کرده است.



نمودار ۱- میزان مشاهده شبکه‌های مختلف تلویزیونی توسط خانواده‌ها در تبریز

نمودار ۱- میزان مشاهده شبکه‌های مختلف تلویزیونی توسط خانواده‌ها در تبریز

۴- بحث و نتیجه‌گیری

تحقیقات و مطالعات در جوامع چندزبانه این نکته را نشان می‌دهد که تعاملات درون خانواده در خلأ اتفاق نمی‌افتد، بلکه محیط خارج از خانه بر این تعاملات تأثیر می‌گذارد. گفته می‌شود تصمیمات زبانی خانواده تحت تأثیر فشارهای به وجود آمده از سوی نهادها و حوزه‌های خارج از خانه، مانند نظام آموزشی، رسانه‌ها و نقش فرزندان است (مک کارتی و همکاران، ۲۰۰۹؛ شوهای، ۲۰۰۶؛ اسپالسکی، ۲۰۰۹). بر همین اساس، محققان بر این باورند که این تنها خانواده نیست که بر فرزندان تأثیرگذار است. محیط نیز نقش بسزایی در این فرایند ایفا می‌کند. اسپالسکی (۲۰۰۹) برای مثال به این نکته اشاره می‌کند که اگرچه نهاد خانواده، مانند سایر نهادها و حوزه‌ها، سیاست‌گذاری‌های مخصوص خود را دارد، تمامی مشخصه‌های آن تحت کنترل اعضای خانواده نیست. بلکه سیاست‌گذاری‌های خانواده تحت تأثیر جامعه اطراف آن و اعتقادات و باورهای اعضای خانواده نسبت به آن محیط است (اسپالسکی، ۲۰۰۹: ۱۸).

تحلیل نگرش خانواده‌ها نسبت به سیاست‌گذاری‌های زبانی و رسانه، و بررسی تصمیمات زبانی خانواده‌ها در تبریز نکات جالب و قابل تأملی را روشن می‌سازد. اول آن که پدران و مادران شرکت‌کننده در این پژوهش نگرش ملایمی نسبت به حضور زبان ترکی در نظام آموزشی در تبریز نشان دادند. اگرچه بیشتر شرکت‌کنندگان دوست دارند فرزندان‌شان توانایی خواندن و نوشتن به زبان مادری خود را کسب کنند، تمایلی به وجود مدرسی که در آن دروس به زبان ترکی ارائه شود، ندارند. این موضوع به همراه نظام آموزشی تک‌زبان کنونی که موفقیت آموزشی را فقط از طریق یک زبان ممکن می‌سازد، می‌تواند باعث شود تا پدران و مادران، زبان فارسی را در خانه به عنوان زبان اول به کار گیرند و در طولانی مدت جایگزین زبان ترکی کنند.

دوم آنکه بررسی نگرش خانواده‌ها نسبت به شبکه‌های تلویزیونی این نکته را روشن می‌کند که شبکه استانی سهند در جذب مخاطب موفقیتی به دست نیاورده است. شبکه‌های فارسی‌زبان ملی و ماهواره‌ای و نیز شبکه‌های ماهواره‌ای به زبان ترکی استانبولی بیشترین بیننده را در میان شرکت‌کنندگان در این پژوهش دارند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت تحلیل سیاست‌گذاری‌های زبانی در شکل نگرش‌ها و رفتارهای زبانی در خانه نشان داد دو زبانگی باثبات (بین ترکی و فارسی) در حال از بین رفتن است، بدین معنی که فارسی، به عنوان زبان رسمی کشور و زبان غالب نهادهای آموزشی، در حال ورود به نهاد خانواده در تبریز است. همانطور که تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه و پرسشنامه نشان می‌دهد، فارسی، از طریق رسانه و نظام آموزشی، در درون خانواده‌های ترکی زبان نفوذ کرده است. به عبارتی دیگر، با بازشدن نهاد خانه به روی نهادهای بیرونی، مانند مدرسه و رسانه، خانواده کنترل خود بر تصمیمات زبانی درون خانه را تا حد بسیاری از دست می‌دهد. اگرچه به دلیل جمعیت بالای ترکی زبان‌ها در ایران و نیز نقش این زبان در تقویت روحیه همبستگی و هویت قومی (بنی‌شورکا، ۲۰۰۹) شاید در نگاه اول، دوزبانگی خانواده‌ها اتفاق قابل توجهی به نظر نیاید، اما بیم آن می‌رود که فارسی، به دلیل فراهم آوردن فرصت‌های بهتر شغلی و تحصیلی در طولانی مدت جایگزین زبان ترکی در خانواده‌ها شود و شرایط تضعیف و یا از بین رفتن زبان ترکی را در تبریز فراهم آورد.

منابع

- خانلری، پرویز (۱۳۴۸). *تاریخ زبان فارسی*، تهران: نشر نو.
- نوری، ناصر (۱۳۹۳). «تأثیر عوامل مهاجرت برون‌قومی و ازدواج بین‌قومی در میزان مخاطره یا ایمنی زبان ترکی آذربایجانی». *مجله زبان و زبان‌شناسی*، دوره ۱۰، ش ۱۹، ۵۴-۳۷.
- Baker, C. (2001). *Foundations of bilingual education and bilingualism (3rd ed.)*. Clevedon: Multilingual matters.
- Baker, C. (2006). "Psycho-sociological analysis in language policy". In T. Ricento (ed.), *An introduction to language policy: Theory and method* (pp. 210-228). New York: Blackwell.
- Bani-Shoraka, H. (2009). "Cross-generational bilingual strategies among Azerbaijanis in Tehran". *International Journal of the Sociology of Language*, 198, 105-127.

- Batibo, H. M. (2005). *Language decline and death in Africa: Causes, consequences and challenges*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Bradley, D. (2005). "Sanie and language loss in China". *International Journal of the Sociology of Language*, 173, 159-176.
- Calvet, L. (1998). *Language wars and linguistic politics*. Oxford: Oxford University Press.
- Castro, F. G., J. G. Kellison, D. J. Boyd, & A. Kopak (2010). "A methodology for conducting integrative mixed methods research and data analyses". *Journal of Mixed Methods Research*, 4(4), 342-360.
- Dorian, N. (1980). "Language shift in community and individual: The phenomenon of the laggard semi-speaker". *International Journal of the Sociology of Language*, 25, 85-94.
- Fishman, J. A. (1991). *Reversing language shift: Theoretical and empirical foundations of assistance to threatened languages*. Clevedon, Avon: Multilingual Matters.
- Fishman, J. A. (2001). "From theory to practice (and vice versa): Review, reconsideration and reiteration". In J. A. Fishman (Ed.), *Can threatened languages be saved? Reversing language shift, revisited: A 21st century perspective* (pp. 451- 483). Clevedon: Multilingual Matters.
- Grenoble, L. A. (2011). "Language ecology and endangerment". In P. K. Austin & J. Sallabank (Eds.), *The Cambridge handbook of endangered languages* (pp. 27-44). Cambridge: Cambridge University Press.
- Harmon, D., & J. Loh (2010). "The index of linguistic diversity: A new quantitative measure of trends in the status of the world's languages". *Language Documentation and Conservation*, 4, 97-151.
- Harrison, K. D. (2007). *When languages die: The extinction of the world's languages and the erosion of human knowledge*. Oxford: Oxford University Press.
- Hassanpour, A., J. Sheyholislami, & T. Skutnabb-Kangas (2012). "Kurdish: Linguicide, resistance and hope". *International Journal of the Sociology of Language*, 217, 1-18.
- Holmes, J. (2013). *An introduction to sociolinguistics* (4th ed.). Harlow: Pearson.
- King, K. A., L. Fogle, & A. Logan-Terry (2008). "Family language policy". *Language and Linguistic compass*, 2(5), 907-922.
- Krauss, M. (1992). "The world's languages in crisis". *Language*, 68(1), 4-10.

- Letsholo, R. (2009). "Language maintenance or shift? Attitudes of Bakalanga youth towards their mother tongue". *International Journal of Bilingual Education and Bilingualism*, 12(5), 581- 595. doi: 10.1080/13670050802153459
- McCarty, T. L., M. E. Romero-Little, L. Warhol, & O. Zepeda (2009). "Indigenous youth as language policy makers". *Journal of Language, Identity, and Education*, 8(5), 291-306.
- McKay, G. (2007). "Language maintenance, shift - and planning". In G. Leitner & I. G. Malcolm (Eds.), *The habitat of Australia's Aboriginal languages: Past, present, and future* (pp. 101-130). Berlin: Mouton.
- Mirvahedi, S. H. (2014). *Language policy, language practices, and language shift in Tabriz*. (PhD), Victoria University of Wellington.
- Moseley, C. (Ed.). (2007). *Encyclopedia of the world's endangered languages*. New York, Oxon: Routledge.
- Nunan, D. (1992). *Research methods in language learning*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pfaff, C. W. (1990). "Turkish in contact with German: Language maintenance and loss among immigrant children in Berlin (West)". *International Journal of Sociology of Language*, 90, 97-129.
- Plowright, D. (2011). *Using mixed methods: Frameworks for an integrated methodology*. Thousand Oaks: CA: Sage.
- Queen, R. M. (2003). "Language ideology and political economy among Turkish-German bilinguals in Germany". In D. B. Joseph, J. Destephano, G. N. Jacobs & I. Lehiste (Eds.), *When languages collide: perspectives on language conflict, language competition, and language coexistence* (pp. 201- 221). Ohio: The Ohio State University Press, Columbus.
- Rahman, T. (2003). *Language policy, multilingualism and language vitality in Pakistan*. Paper presented at the Language Development, Language Revitalization and Multilingual Education, Bangkok, Thailand.
- Sallabank, J. (2012). "Diversity and language policy for endangered languages". In B. Spolsky (Ed.), *The Cambridge handbook of language policy* (pp. 100-123). Cambridge: Cambridge University Press.
- Shohamy, E. (2006). *Language Policy: Hidden agendas and new approaches*. London and New York: Routledge.
- Simons, G. F., & Lewis, M. P. (2011). *The world's languages in crisis: A 20-year update*. Paper presented at the 26th Linguistics Symposium:

Language Death, Endangerment, Documentation, and Revitalization,
University of Wisconsin, Milwaukee.

Spolsky, B. (2009). *Language management*. Cambridge: Cambridge University Press.

Spolsky, B. (2011). "Language and society". In P. K. Austin & J. Sallabank (Eds.), *The Cambridge handbook of endangered languages* (pp. 141-156). Cambridge: Cambridge University Press.

Wurm, S. A. (Ed.). (2001). *Atlas of the world's languages in danger of disappearing*. Paris: Unesco Publishing.